



حشمت فردوس که در فصل های يك و دو، عامل اصلی اقتدار به حساب می آمد
حالا دیگر انگار خودش هم از آن حجم قدرت و جدیت خسته شده و می خواهد
سال های ادامه عمرش را سرحال تر زندگی کند. او در فصل سوم با حفظ مقداری اقتدار
به مردی مسن و پامزه تبدیل شده که مدام سربه سر عروس و نوه ها می گذارد

فصل سوم

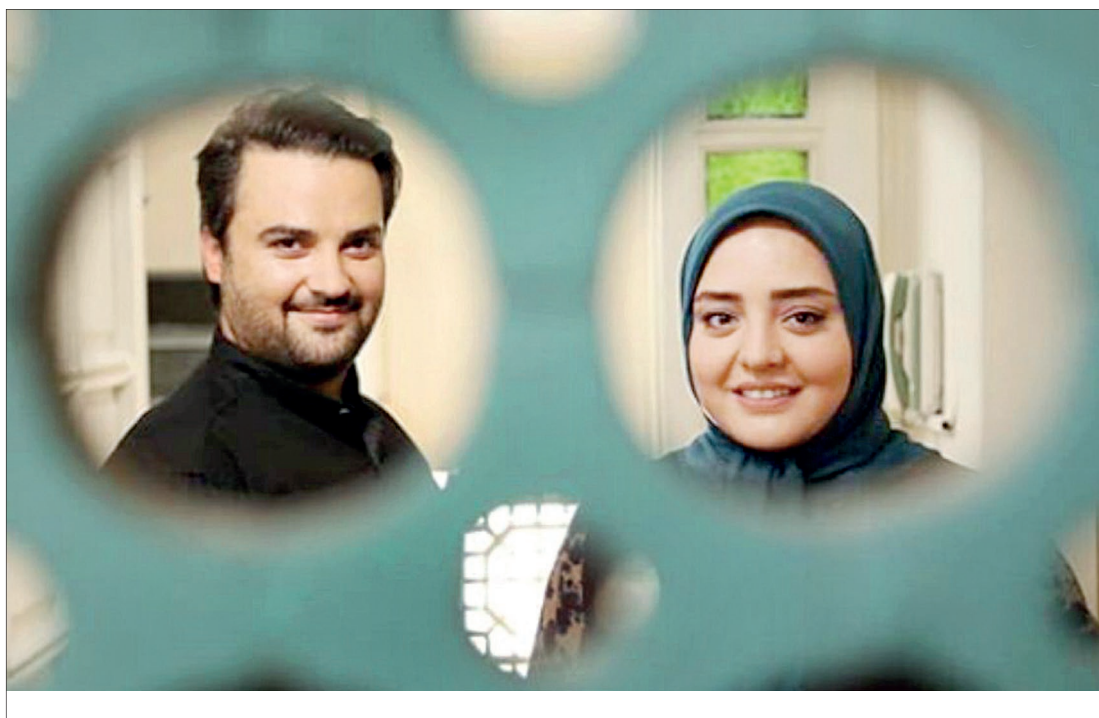
ویژه نامه رادیو و تلویزیون روزنامه جام جم
شنبه ۴ آبان ۹۸ • شماره ۶۸۶

آنا لیز

۳

دلیل محبوبیت فصل سوم سریال ستایش نزد مخاطبان چیست؟

پرایراد اما بسیار پرمخاطب!



مرجان فاطمی
روزنامه نگار

فصل سوم ستایش از آن دست سریال هایی است که خیلی ها نسبت به آن نقد دارند، اما در عین حال مخاطبش نیز هستند. این نحوه مواجهه مخاطبان با این سریال که در شبکه های اجتماعی بروز پرتنگی دارد باعث شده سراغ نقاط قوت و ضعف این سریال برویم. از طرفی در این پرونده از قلاب کوچکی به مناسبت فصل سوم ستایش به سریال های دنباله دار پرداختیم. با توجه به این دو نکته بهترین فرصت برای آنالیز فصل جدید و پرمخاطب این سریال را غنیمت شمردیم.

۱ «ستایش ۳» شروع پرجنگالی داشت. درست زمانی که قسمت اول این سریال روی آنتن رفت، سیل اعتراض ها به سمت آن سرازیر شد و همه از هرطرف دنبال پاسخ این سوال می گشتند که واقعا چرا؟ بله واقعا چرا؟ براساس چه منطقی باید گریم ستایش تا این حد تغییر کند و غیرواقعی باشد! ضعف اصلی «ستایش ۳» درست همان نقطه شروع، نمایان شد و روی کل سریال سایه انداخت. ستایش میانسال فصل دوم، ناگهان در نقطه شروع فصل سوم، تبدیل به يك زن جوان و شاداب شد که حتی ذره ای هم به ستایش روز قبلش شباهت نداشت. این تغییر چهره، تمام معادلات را به هم ریخت. حالا دیگر دختر و پسر جوانی را می دیدیم که کنار مادرشان مثل خواهر و برادر به نظر می رسیدند و هیچ جوری نمی توانستیم فاصله سنی میان آنها را حدس بزنیم! و این یعنی کج گذاشتن خشت اول و همان طور که ذکر شد سایه انداختن روی يك سریال طولانی و پرحزمت! اشتباهی که ریشه آن در فصل دوم شکل گرفت و مثل خیلی اشتباهات دیگر که فرصتی برای جبران نشان نیست، کارگردان ستایش هم نتوانست آن را جبران کند! نتیجه اش هم شد تحلیل ها و بهانه های غیرمنطقی تهیه کننده و بازیگران درباره این که ستایش به آرامش رسیده یا بوتاکس کرده و از این روست که صورتش تا این حد جوان به نظر می رسد!

۲ هرچقدر هم که بخواهیم «ستایش ۳» را به عنوان يك سریال قابل قبول در نظر بگیریم، اما هنوز هم روابط میان آدم ها، پیش رفتن اتفاقی داستان و نبود منطق محتوایی در برخی موارد، نمی تواند قانع مان کند. با این حال اما نتیجه نظرسنجی ها و شواهد نشان می دهد «ستایش» با وجود تمام این نقدها، حسابی مخاطبانش را سرکیف آورده است و باید بپذیریم در حال حاضر، سریال محبوبی است، اما علت این محبوبیت چیست؟

۳ در فرمولی که سعید مطلبی برای «ستایش ۳» در نظر گرفته است همه چیز به طرز اغراق آمیز، قابل پیش بینی جلو می رود. بعد از تماشای چند قسمت، می توانستیم حدس بزنیم روابط چگونه شکل می گیرد، چه کسانی به وصال هم می رسند، چطور حق به حق دار می رسد و شخصیت های منفی مثل پری سیما حتما به جزای اعمال زشت شان می رسند! حالا هم که بیش از ۳۰ قسمت از پخش سریال گذشته، می بینیم که همه چیز کاملاً روی همان فرمول پیش می رود و مطلبی، تلاشی برای تغییر وضعیت انجام نداده است. تجربه نشان داده است اکثر مخاطبان، همین قابل پیش بینی بودن را می پذیرند و شاید اگر داستان در مسیری جز این حرکت کند و به اهدافی غیر از آنچه پیش بینی کرده اند برسد، دیگر جذابیتی برایشان ندارد.

۴ داستان ستایش از یک فرمول ساده قدیمی پیروی می کند. سعید مطلبی، نویسنده فیلمنامه ستایش، به خوبی نبض مخاطبان عامه پسند ایرانی را می شناسد و خیلی خوب می داند با دست گذاشتن روی چه مواردی می تواند آنها را وادار کند پای سریال بنشینند و آن را دنبال کنند. عشق ستایش و مهدی مظفری، علاوه حشمت فردوس به خانم بزرگ، علاقه حمید به پری سیما، قتل صابر به حرف آمدن انیس و... همه باعث شده تا مخاطبان با لذت بیشتری برای تماشای آن ترغیب شوند. اتفاقی که در فصل دوم ستایش شاهدش نبودیم. درواقع سعید مطلبی، در فصل سوم، يك عاشقانه پر اتفاق خلق کرده است و طبق معمول به صریح ترین شکل ممکن، به مخاطبانش گوشزد می کند که خوب و بد، نهایتاً سزای اعمال شان را دریافت می کنند؛ مفاهیمی که مخاطبان همیشه توجه خاصی به آن نشان داده اند و حالا مطلبی هم در ستایش آنها را کنار هم قرار داده است؛ بنابراین می توان گفت یکی از دلایل موفقیت «ستایش ۳» خود سعید مطلبی است؛ نویسنده ای که در کارنامه اش، نگارش فیلمنامه بیش از ۵۰ فیلم و سریال دیده می شود که اکثر آنها موفق بوده اند.

۵ از ماجرای گریم ستایش و حذف عجیب کاراکتر صابر (حضورش در فصل سوم، بیشتر به کالبدی در دوردست شباهت داشت) که بگریم به آمار بالای میزان مخاطبان این فصل می رسیم. بله! ما هم گمان می کردیم «ستایش ۳» پیرو همان «خشت اول گر نهید معمار کج...» تا پایان به بیراهه رود و توجه مخاطبان را به خودش جلب نکند، اما خب چنین اتفاقی نیفتاد. مخاطبان خیلی زود اشتباه سعید سلطانی را در ماجرای گریم و صابر بخشیدند و تصمیم گرفتند اسمشان را در فهرست علاقه مندان فراوان این سریال ثبت کنند. نتیجه نظرسنجی مرکز تحقیقات سازمان صدا و سیما نشان داد که این سریال با ۵۸/۴ درصد بیننده، پرمخاطب ترین سریال فعلی تلویزیون است و علاوه بر این، رکورد سریال های غیرمناسبتی تلویزیون را در سال های اخیر هم شکسته است. با يك نگاه اجمالی به تعداد بازدیدکننده های سریال در تلویزیون هم می شود فهمید «ستایش ۳» بازدیدکننده فراوانی دارد و در خیلی از قسمت ها میزان این بازدیدها به ۸۰۰ هزار نفر هم می رسد. خب این مساله با توجه به اعتراض های ابتدای فصل، واقعا عجیب بود!

۶ نکته آخر هم این که در «ستایش ۳» بار کمی تا حدودی نسبت به سایر فصل ها پرتنگ تر است. حشمت فردوس که در فصل های يك و ۲، عامل اصلی اقتدار به حساب می آمد حالا دیگر انگار خودش هم از آن حجم قدرت و جدیت خسته شده و می خواهد سال های ادامه عمرش را سرحال تر زندگی کند. او در فصل سوم با حفظ مقداری اقتدار، به مردی مسن و پامزه تبدیل شده که مدام سربه سر عروس و نوه ها می گذارد و می خواهد محبوب تر به نظر برسد؛ البته علاقه او به خانم بزرگ هم باعث شده وجه دیگری از شخصیتش به نمایش گذاشته شود. تلاش های او برای جلب توجه خانم بزرگ و در عین حال تلاش برای نشان دادن بی اهمیت بودن نسبت به او، به جذابیت سریال نزد مخاطبان کمک کرده است. خلاصه این که «ستایش ۳» تمام عناصر يك سریال عامه پسند را دارد و طبیعی است که اسم آن به عنوان پرمخاطب ترین سریال غیرمناسبتی تلویزیون به ثبت برسد! البته جالب است این نکته را مجدداً یادآوری کنیم که حتی بدترین اشتباه ها هم می تواند جبران شود! همان طور که می بینید حالا دیگر هیچ کس حرفی از گریم غیرمنطقی ستایش به میان نمی آورد و انگار همه یک جورهایی پذیرفته اند که او با همین جوانی، مادر دو جوان دیگر است!